

## باتوجه به آنچه گفتیم:

بحث از "نهی" را در مباحث مختلف مطرح می‌کنیم.

### بحث: ماده نهی

چنانکه در ابتدای بحث خواندیم مرحوم آخوند می‌فرمودند همه آنچه در ماده امر مطرح است درباره ماده نهی هم مطرح است.

این نکته مورد اشکال‌های مختلف واقع شده است:

اول) اشکال مرحوم مشکینی:

«إِلَّا أَنْ مَادَّةَ مَشْرُوكَةَ لُغَةً وَ عَرَفًا، دُونَ مَادَّةِ النَّهْيِ، فَإِنَّ الظَّاهِرَ كَوْنَهُ حَقِيقَةً فِي الطَّلَبِ فَقَطْ»

توضیح: ماده امر مشترک لفظی بین شیء و طلب است در حالیکه ماده نهی فقط حقیقت در طلب است.

ما می‌گوییم: لسان العرب ماده "ن ه ی" را دارای معانی مختلف معرفی می‌کند:

۱) نهی: خلاف امر (کف)

۲) نهاییه: آخر هر چیز (چراکه آخر هر چیزی، نهی می‌کند از اینکه شیء امتداد پیدا کند)

۳) نَهْيٌ: جایی که دارای مانع است

۴) نَهْيٌ: آب گیر (چراکه سیل در آب گیر - غدیر - متحیر می‌شود)

۵) نَهْيٌ: عقل (هم به معنای جمع است و هم مفرد) (چراکه از قبائح منع می‌کند)

۶) نَهْيٌ: سیر شد، کافی شد

۷) نَهْيٌ: ظرف‌های شیشه‌ای

۸) نَهْيٌ: یک نوع نگین کم بها<sup>۱</sup>

اکثر این معانی مورد اشاره خلیل هم می‌باشد.<sup>۲</sup>

اما معجم مقاییس، اصل در این ماده را «غایت و بلوغ» می‌داند و اصلاً به معنای «مقابل امر» اشاره نمی‌کند و می‌نویسد «نهی کردم و منتهی شد» به این معناست که «آخرین جایی که باید باشد آنجاست. پس "نهی" را در اصل این

۱. لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۱۲

۲. کتاب العین، ص ۸۳۴



کتاب به معنای "غایت" بر می گرداند [یعنی وقتی می گوییم او را از خمر کردم، به این معناست که آخرین حدی که حق دارد برود تا "خمر" است]<sup>۱</sup>

مرحوم دهخدا هم از مصادر لغوی عربی دو معنا را برای نهی مطرح می کند:

«بازداشتن، منع کردن» و «امر به کفّ و خویشتن داری کردن»<sup>۲</sup>

ما می گوییم:

الف) با توجه به آنچه آوردیم به نظر می رسد "نهی" وقتی به صورت فعل به کار می رود دارای معانی ذیل است ( و طبیعتاً مصدر آن هم همین معانی را به صورت مصدری دارا می باشد)

(۱) صیغه نهی را استعمال کرد<sup>۳</sup>

(۲) بازداشت، ممانعت کرد

(۳) طلب کرد که ترک کند / یا کفّ نفس کند (بنابر اختلافی که به آن اشاره خواهیم کرد)

و سایر معانی به نوعی به این معنا برمی گردد.

معنای اول را کشاف اصطلاحات الفنون، مربوط به عرف نحوی ها می داند<sup>۴</sup> این کتاب، معنای سوم را «طلب کفّ» بر می شمارد.<sup>۵</sup>

ب) مرحوم اصفهانی صاحب هدایة المسترشدين بدون اشاره به معنای دوم، "نهی" را مشترک لفظی بین «استعمال صیغه» و «طلب ترک» بر می شمارد.<sup>۶</sup>

نکته: دخالت علو یا استعلاء در صدق ماده نهی:

ما در مباحث امر گفتیم که امر در جایی صادق است که امر مستعلی باشد و گفتیم امر به معنای دستور دادن است.

حال آیا چنین قیدی در «ماده نهی» هم موجود است

۱. معجم مقایس اللغة، ج ۵، ص ۳۹۵

۲. دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۰۲۵۸

۳. ن ک: مفاتیح الاصول، ص ۱۳۸

۴. کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۷۳

۵. همان، ج ۱، ص ۲۶۷

۶. هدایة المسترشدين، ج ۳، ص ۴



